

پیام های اخلاقی نهضت عاشورا

امام حسین(ع) در جای جای کربلا به دوست و دشمن خود احترام گذاشت و آنان را گرمی داشت، و برای هدایت و نجاتشان از انحراف خطبه های بسیاری خواند.



امام حسین(ع) در جای جای کربلا به دوست و دشمن خود احترام گذاشت و آنان را گرمی داشت، و برای هدایت و نجاتشان از انحراف خطبه های بسیاری خواند.

به گزارش خبرگزاری مهر، پرچم های سیاه در کنار پیراهن های سیاه، فضای جامعه را کربلایی می کند، راه اندازی دسته جات عزاداری، نوحه و سینه زنی، پهن کردن سفره های نذری و... همگی نشان از عشق به مولا حسین(ع) است، اما چقدر خوب است که همه اردتمندان به مولا در کنار همه دلدادگی ها و نثار مال و جان در راه حضرت، صفات اخلاقی برخاسته از نهضت عاشورا را نیز در وجود خود ایجاد کرده و با عشق آنها را تقویت کنند، تا ظاهر و باطن شان حسینی شود.

آزادگی:

حریت و آزادگی از جمله صفات اخلاقی است که همیشه با زهد و پارسایی و عدم اسارت در چنگال زرق و برق زندگی مادی همراه است، و باعث می شود انسان کرامت و شرافت خود را بشناسد و برای رسیدن به زندگی مرفه و مال و ثروت، به قدرت های زورگو و فاسد متوسل نشود و برای رسیدن به اهدافش بردگی آنان را به خود نخرد، امام صادق(ع) در معرفی شخص آزاده می فرماید:

«آزاده در همه حال آزاده است، اگر بلا و سختی به او رسد شکیبایی ورزد و اگر مصیبت ها بر سرش فرو ریزند او را نشکنند هر چند به اسیری افتد و مقهور شود و آسایش را از دست داده و به سختی و تنگدستی افتد، چنان که یوسف صدیق امین، (صلوات الله علیه)، به بندگی گرفته شد و مقهور و اسیر گشت اما این همه به آزادگی او آسیب نرساند».

حرکات امام حسین(ع) و یاران با وفایش در صحرای کربلا سرشار از حریت و آزادگی است، او با شجاعت به وعده های رنگین و دنیایی عمر سعد مبنی بر بیعت با یزید پشت پا زده و مرگ را بهتر از همکاری و بیعت با انسان فاسدی چون یزید بن معاویه می دانست و می فرمود: «نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلت به آنان می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می شوم!».

امام با این که می توانست از روی ظاهر سکوت کرده و حتی دست بیعت صوری با یزید بدهد و مدت بیشتری از دنیا استفاده کرده و مرگش را به تاخیر اندازد، اما چنین ذلتی را نپذیرفت و در پاسخ وعده دهنده گان فرمود: «ناپاک زاده، فرزند ناپاک زاده مرا در میان شمشیر و ذلت مخیر ساخته، به استقبال شمشیرها می روم و هرگز تن به ذلت نمی دهم».

روح آزادگی امام، سبب شد حتی در آن حال که مجروح بر زمین افتاده بود نسبت به تصمیم سپاه دشمن برای حمله به خیمه های زنان و فرزندان، برآشوبد و آنان را به آزادگی دعوت کند: «اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی ترسید لااقل در دنیای خود آزاده باشید».

ایثار و از خود گذشتگی:

مقدم داشتن دیگران بر خود، گذشتن از خواسته های خود و نیز چشم پوشیدن از آنچه مورد علاقه انسان است، از صفات اخلاقی بسیار زیبایی است که در همه زمان ها به خصوص زمانه ما حلال مشکلات بزرگ اجتماعی است و فقر و نداری را ریشه کن می کند، خداوند درباره این صفت زیبا در قرآن کریم می فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ [حشر/9] آن ها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمندند.»

بالا ترین درجه ایثار و از خود گذشتگی بذل جان است، که در صحرای کربلا به صورت واقعی تجلی یافته و به واقعیت پیوست، یاران امام حسین(ع) کوچک و بزرگ جان شان را در طبق اخلاص گذاشته و می خواستند در راه خدا ایثار کنند، امام خطاب به فرزندان مسلم بن عقیل فرمود:

«شهادت مسلم برایتان کافی است، شما صحنه را ترک کنید، آنها یک صدا گفتند: به خدا سوگند چنین نخواهیم کرد، جان و مال

و خانواده و هستی خود را فدای تو می‌کنیم و در رکابت می‌جنگیم تا به شهادت برسیم.»

ایثار و فدا کردن جان در راه سید الشهدا در گفتار و رفتار اصحاب و یاران امام موج می‌زد به طوری که مسلم بن عوسجه که پیرمردی بود در بیان روحیه ایثارگری خود خطاب به امام حسین(ع) گفت: «من از شما جدا نخواهم شد تا با همه توان و قدرت، نیزه خویش را بر سینه دشمنان حق و عدالت بشکنم و سینه آنان را بشکافم، تا با شمشیر خویش با آنان پیکار کنم و بر فرق ستم و استبداد بکوبم و اگر سلاحی نداشته باشم با سنگ و کلوخ و چنگ و دندان با تجاوزکاران و سپاه ظلمت و اختناق خواهم جنگید، و تا جان در بدن دارم شما را رها نخواهم ساخت، تا با تو و در کنار تو و در راه آرمان و هدف والای تو جان ناقابل خویش را فدا کنم.

حفظ شخصیت و تکریم انسان:

احترام گذاشتن به افراد و گرمی داشتن آنان از جمله فضایل اخلاقی است که خداوند نیز به آن ملتزم می‌باشد و عمل کرده است، همان گونه که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا [اسراء/۷۰] ما آدمیزادگان را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».

امام حسین(ع) در جای جای کربلا به دوست و دشمن خود احترام گذاشت و آنان را گرمی داشت، و برای هدایت و نجاتشان از انحراف خطبه‌های بسیاری خواند تا جایی که در قلب یکی از آنان به نام حر بن یزید ریاحی اثر کرده و از راه اشتباهش برگشت، امام با این که آزارهای بسیاری از او دیده بود او را پذیرفته و به شخصیت او ارج نهاد.

امام در روز عاشورا یاران خود را باوفاترین معرفی کرده و بدین وسیله آنان را کرامت و عزت بخشید و حتی نسبت به چون که غلام سیاه رنگی بود همان کرامتی قائل بود که به سایرین قائل بود، و در روز عاشورا به او رخصت داد که از صحنه بیرون برود و کشته نشود؛ چرا که در روزهای سخت و دشوار، همراه این خاندان بوده لذا الان مجاز است که جان خویش را بگیرد و برود، ولی چون به پای امام افتاد و بوسید و گریست و درخواست کرد که اجازه یابد خورش با خون اهل بیت در این میدان آمیخته شود، امام هم اجازه داد، او به میدان رفت و پس از جنگی دلاورانه به شهادت رسید و امام به بالین او آمد و دعایش کرد: «خدایا چهره‌اش را نورانی و بدنش را خوشبو ساز و او را با محمد و آل محمد محشور کن.»

البته ذکر فضایل اخلاقی موجود در نهضت عاشورا آنقدر زیاد است که در این مطلب نمی‌گنجد، چقدر خوب است که همه عاشقان سید و سالار شهید با مطالعه دقیق رویدادهای عاشورا، آنان را فرا گرفته و در زندگی شخصی و اجتماعی خود به کار ببرند، تا در سایه این نهضت بزرگ زندگی الهی داشته باشند.